

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه علق

استاد ضرابی بهمن ۱۳۹۹

جلسه پنجم ۹۹/۱۱/۱۹

آیات شریفه: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۹) عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰) أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى (۱۱) أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى (۱۲) أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳) أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى - آیا دیدی آن کس را که باز می داشت (۹) بنده ای را آنگاه که نماز می گزارد (۱۰) چه پنداری اگر او بر هدایت باشد (۱۱) یا به پرهیزگاری وادارد [برای او بهتر نیست] (۱۲) [و باز] آیا چه پنداری [که] اگر او به تکذیب پردازد و روی برگرداند [چه کیفری در پیش دارد] (۱۳) مگر ندانسته که خدا می بیند (۱۴)»

عنوان : منازل و مراتب رؤیت حق

« أَرَأَيْتَ »: این سوره شریفه از امر به «اقرأ» آغاز شده و عمق پیدا کرده به «أَرَأَيْتَ» رسیده و از آن بالاتر رفته تا به اوج و اصل خود که «بأن الله يرى» است واصل گردیده؛ زیرا هر علم و دیدن و شنیدنی، از علم و سمع و بصر خداوند ریشه می‌گیرد و منشأ و سرچشمه دیگری ندارد.

در ابتدای سوره گفته شد «اقرأ» تنها به معنای روخوانی آیات لفظی قرآن نیست؛ رسیدن به معرفت و بصیرت و عمل به مقتضای آن انسان را در مراتب وجود بالا می‌برد.

«أَرَأَيْتَ» از مراتب معرفت، مرتبه مشاهده عینی را مطالبه می‌کند و عین الیقین را مورد سؤال قرار داده است. می‌دانیم که سؤال «آیا دیدی» از سوی خداوند که عالم به همه امور است هیچگاه سؤال واقعی نیست. پس به معنای امر به دیدن است (در ادامه امر به اقرأ با معنای عمیقی که دارد) این مشاهده با چشم قلب و

بیداری آن باید ادامه پیدا کند و برسد به آن مرحله‌ای که با چشم خدا ببیند که در روایت قرب فرائض آمده است: این روایت هم در منابع شیعه و هم اهل سنت آمده و از جهت سند جای تردیدی ندارد. در کتاب شریف کافی چنین آمده است: «پیامبر اکرم (ص) این حدیث قدسی را بیان فرمودند « قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرَصَدَ لِمُحَارَبَتِي وَ مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ ... - حماد بن بشیر گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: رسول خدا (ص) فرموده خدای عز و جل فرماید: هر که به دوستی از من اهانت کند به تحقیق برای جنگ با من کمین کرده است، و هیچ بنده به چیزی بمن تقرب نجوید که نزد من محبوب‌تر از آنچه بر او واجب کرده‌ام باشد، و همانا او بوسیله نماز نافله به من نزدیک شود تا آنجا که من او را دوست بدارم، و هنگامی که او را دوست بدارم گوش او شوم همان گوش‌های که با آن می‌شنود و چشم او گردم همان چشمی که با آن ببیند، و زبانش شوم همان زبانی که با آن سخن گوید، و دست او گردم، همان دستی که با آن بگیرد، اگر مرا بخواند اجابتش کنم، و اگر از من خواهشی کند باو بدهم، ... » (کافی، ج ۲، ص ۳۵۲)

مطلق آن آواز خود از شه بود	گر چه از حلقوم عبدالله بود
گفته او را من زبان و چشم تو	من حواس و من رضا و خشم تو
رو که بی یسمع و بی ببصر تویی	سر تویی چه جای صاحب سر تویی
چون شدی من کان لله از وله	من ترا باشم که کان الله له

### عنوان : قرآن، جهان، انسان، سه چهره از یک حقیقت

سؤال این است که انسان چه چیزی را باید «اقراً» قرائت کند؟ و در مراتب بالاتر با چشم دل «أَرَأَيْتَ» ببیند؟ و در نهایت با چشم خدا «بأن الله يرى» شاهد باشد؟ موضوع قرائت در یک مرتبه قرآن و آیات لفظی آن است در مرتبه بالاتر جهانی است که قرآن نسخه و نقشه و اخبار همه آن است.

در مرتبه دیگری که جهان شرح و تفصیل حقیقت انسان شمرده می‌شود و مراتب عوالم وجود با مراتب وجود انسان از عرش تا فرش تطبیق می‌کند این قرائت یا مشاهده با چشم قلب یا دیدن با چشم الهی، موضوعش انسان است دیدن و معرفت به جوهره وجود انسان است. که خداوند می‌خواهد این انسان دیده و شناخته شود و کتاب وجودش خوانده و دیده شود.

ای نسخه اسرار الهی که تویی      وی آینه جمال شاهی که تویی

بیرون ز تو نیست آنچه در عالم هست      در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

ملاصدرا در شرح بر اصول کافی در ذیل روایت «ان الله خلق آدم علی صورته» می‌گوید: «خداوند از مثل منزله است اما از مثال نه (!!)) و اگر بین نفس و روح آدمی با خداوند شباهت نبود، امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌گفت: من عرف نفسه فقد عرف ربه، پس بین نفس آدمی با خالقش در ذات و صفات و افعال مشابهت وجود دارد.» (شرح اصول کافی، صدر، ج ۳ ص ۳۹۲) و نیز: «بدان که انسان کامل چون خلیفه خداوند است بر صورت خداوند آفریده شده است.» (مفاتیح الغیب ص ۱۹)

انسان کامل و عالم کبیر رابطه ای این همانی دارند؛ عالم کبیر را می‌توان همان انسان منشرح و تفصیل یافته در نظر گرفت و انسان کامل را فشرده عالم کبیر. در اشعار منسوب به امیرالمؤمنین می‌خوانیم:

اتزعم انك جرم صغير      و فيك انطوي العالم الاكبر

و انت الكتاب المبين الذي      باحرفه تظهر المضمير

\*\*\*

همه سرگشتگان کوی توایم      همه را روی عجز بر در تست

هرچه در عالم کبیر بود      همه شرح کتاب اکبر تست

**عنوان : سبل متفرقه و صراط مستقیم در پیش روی انسان**

در سوره «یس» چنین می خوانیم: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ- ای فرزندان آدم مگر با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید و به دستورات او عمل ننمائید. مرا پرستش کنید این همان صراط مستقیم است» (یس، آیات ۶۰ و ۶۱)

از جمله حقایق وجود انسان مسأله اختیار و تمکن او در پیموده راه‌های مختلف است که در آیات ۶ و ۷ این سوره شریفه خواندیم «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ أَلَمْ يَكُنْ يَرَاهُ اسْتَغْنَىٰ» از مصادیق استغنا، تمکنی است که خداوند به انسان داده است که هر راهی را که می‌خواهد برگزیند و به هر راهی که می‌خواهد برود در مقابل جبری که در پایان مهلت داده شده وجود دارد « كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ » و این اختیار لازمه حتمی تربیت و کمال انسان است.

اما انسان چه راه‌هایی را می‌تواند برگزیند؟ همه این صورتهای در این آیات بیان شده است: معارضة با حق و نهی از آن « يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ »، مشی بر طریق هدایت « إِنَّ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ »، مبارز و مبلغ در راه هدایت بودن « أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ »، پشت کردن، تکذیب و نپذیرفتن راه حق « إِنَّ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ».

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ... وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - خدا بدان کتاب هر کس را که از پی خشنودی او رود به راه‌های سلامت هدایت کند و آنان را از تاریکی‌های (جهل و گناه) بیرون آورد و به عالم نور داخل گرداند و به راه راست رهبری کند.» (مائده/۱۶)

از امام صادق (ع) درباره صراط سؤال شد. آن حضرت فرمودند: «الإمام الصادق عليه السلام - في معنى الصراط - : هو الطريق إلى معرفة الله عزَّ و جلَّ، و هما صراطان : صراط في الدنيا و صراط في الآخرة، فأما الصراط الذي في الدنيا فهو الإمام المفروض الطاعة، من عرفه في الدنيا و اقتدى بهداه مرَّ على الصراط الذي هو جسر جهنم في الآخرة - امام صادق (عليه السلام) درباره معنای صراط فرمود : آن، راه شناخت خداوند عزَّ و جلَّ است، و دو صراط وجود دارد : صراطی در دنیاست و صراطی در آخرت . صراط دنیا همان امامی است که

اطاعتش واجب است . هر که در دنیا او را بشناسد و از راهنماییهایش پیروی کند از صراط آخرت که پلی است بر روی دوزخ ، بگذرد.»(بحار الأنوار : ۲۴ / ۳/۱۱)

نشان ناشناسی ناسپاسی است شناسائی حق در حق شناسی است

### عنوان : مظهریت ربوبیت و ولایت حق تعالی

پیامبری که می‌خواهد به اذن الهی مظهر ربوبیت حق باشد و اولیا و جانشینان برحقش که ولایت الهی از مسیر وجود آنها اعمال می‌شود، باید جوهره وجود ممتد انسان را از عرش تا فرش بشناسد؛ همین‌طور است انسانی که می‌خواهد نفس خود را تربیت کند و به پیامبرش اقتدا کند و پیرو او باشد. « وَ مَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَ نُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا - کسی که بعد از آشکار شدن حق از در مخالفت با پیامبر در آید و از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند، ما او را به همان راه که می‌رود می‌بریم و به دوزخ داخل می‌کنیم و جایگاه بدی دارد.» (سوره نساء آیه ۱۱۵)

برگزیدن راهی که صراط مستقیم است از میان همه این راه‌ها و قابلیت‌ها، و این امکان انتخاب و گزینه‌های پیش روی انسان در مدت محدود زندگی‌اش همه برای تعیین جایگاه استقرار ابدی و استحقاق او در مراتب سقوط و صعود در عوالمی است که خدای متعال برای انسان فراهم کرده است. البته چیزی بر خدا پوشیده نیست و احتیاجی به آزمایش و ابتلا ندارد، این همه برای کمال و رشد و تربیت و معرفت انسان است. البته مدت این آزادی، انتخاب و تصمیم در دنیا که تمام شد، خداوند دیگر اجازه طغیان و پیمودن هر راهی را نمی‌دهد و معارضان و منکران راه حق را با جبر به آن چه لایق آن هستند می‌برد. « كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ »

در تفسیر طبری آمده است: «أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ وَمَا بَعْدَهَا نَزَلَتْ فِي أَبِي جَهْلٍ بِنِ هِشَامٍ , وَذَلِكَ أَنَّهُ قَالَ فِيمَا بَلَّغْنَا : لَئِنْ رَأَيْتَ مُحَمَّدًا يُصَلِّي , لِأَطَّأَنَّ رَقَبَتَهُ ... - روایت شده ابا جهل در حضور گروهی از کفار قریش و مکه می‌گفت چنانچه ببینم که محمد به نماز و سجده اشتغال ورزد هر آینه گردن او را خواهم کوبید و همت

گمارده که بر سر مبارک او سنگ پرتاب نماید در حالی که مشغول نماز بود  
ناگهان او را حال نماز مشاهده نمود ولی خائف شده بازگشت گفت دیدم  
فاصله من با او گودالی از آتش است رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود سوگند  
به آفریدگاری که روح من در قبضه قدرت او است چنانچه نزدیک من می آمد  
فرشتگان او را قطعه قطعه می کردند.

مسند ملک ولایت در حقیقت آن اوست

در حریم عصمتش روح القدس دربان اوست

روح اعظم جان عالم عقل کل از جان و دل

در امامت این امام انس و جان جانان اوست